

اشاره:

صادرات کالاهای صنعتی از آن جهت که ارزش افزوده بیشتری نصیب اقتصاد کشور می‌کند و درآمد ارزی بیشتری را برای مملکت به‌ارمغان می‌آورد، از دید بسیاری از کارشناسان اهمیت بسزایی دارد. اما صدور کالاهای صنعتی و یافتن مزیت نسبی در تولید و تجارت کالاها بهترین راهنمای سرمایه‌گذاران و جهت‌دهی به روند سرمایه‌گذاری سودآور می‌باشد.

دو برنامه اصلی اقتصاد ایران یعنی «اقتصاد بدون نفت» و «فقرزدایی» مرهون توسعه بخش صنعت و معدن و صادرات فرآورده‌های این بخش می‌باشد.

در این گزارش به عملکرد تولید و صادرات بخش صنعت و معدن، موانع و راهکارهای مناسب برای غلبه بر موانع می‌پردازیم.

یازنگری جایگاه صنایع و معادن در صادرات غیر نفتی ضروری است



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ارزش افزوده بخش صنایع و معادن

رقم در حدود ۳۲۹۳/۷ میلیارد ریال خواهد شد. با این حساب ارزش افزوده بخش صنایع و معادن به‌طور کلی در سال جاری نسبت به سال ۱۳۷۱ حدود ۲۰ درصد رشد دارد.

این رشد برای اقتصادی که پیوسته از مزیت‌های نسبی در تولید کالاهای صنعتی و معدنی سخن به میان می‌آورد، واقعاً ناچیز است.

آنچه مسلم است، مزیت نسبی در بخش صنعت و معدن وجود دارد، زیرا که در ایران دسترسی واحدهای صنایع و معادن به انرژی ارزان، کارگران ارزان، منابع معدنی سرشار و ... میسر است. بهای این مواد در ایران در قیاس با بازارهای جهانی باتوجه به نرخ واقعی ارز (حتی نرخ ارز صادراتی) در واقع ناچیز است. اما علت ماجرا را می‌توان در فقدان انگیزه کار و سرمایه‌گذاری و مدیریت ناکار، جست‌وجو کرد.

به عقیده کارشناسان، قوانین و مقررات کنونی (تجارت،

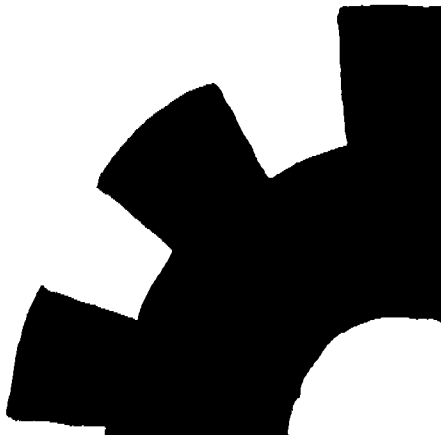
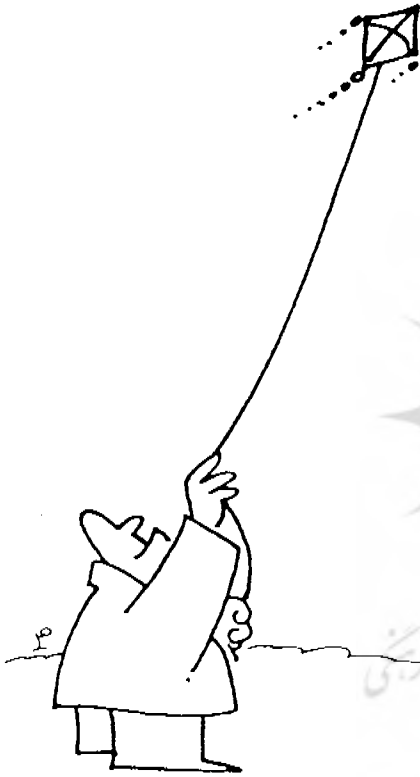
براساس آمارهای رسمی که از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران انتشار یافته است، ارزش افزوده بخش صنایع و معادن کشور به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱ از ۲۹۳۲/۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۱ با ۱/۳ درصد رشد به ۲۹۷۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۲ و سپس با ۴/۹ درصد افزایش به ۳۱۱۴/۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۳ رسید.

در سال ۱۳۷۴ ارزش افزوده این بخش با ۵/۷ درصد افزایش نسبت به سال ماقبل به ۳۲۹۳/۱ میلیارد ریال بالغ شد.

کارشناسان اقتصادی با احتساب رشد ۳ درصدی ارزش افزوده بخش صنایع و معادن در سال ۷۵ نسبت به سال ماقبل، این رقم را ۳۳۹۱/۹ میلیارد ریال برآورد می‌کنند. چنانچه در سال جاری نیز رشد ۳ درصد ارزش افزوده بخش صنایع و معادن حفظ شود، به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱، این

صنعتی - معدنی در اختیار نهادهای وابسته به دولت می‌باشد. مدیریت این واحدها، انگیزه واقعی برای کاهش هزینه‌های قابل‌اجتناب تولید و افزایش سودآوری واحدهای تحت تصدی خود، ندارند. لذا کارایی واحدهای موردبخت ناچیز و غیراقتصادی است.

○ ارزش افزوده بخش صنایع و معادن به قیمت ثابت سال ۶۱ در سال ۷۴ به ۳۲۹۳/۱ میلیارد ریال رسید که نسبت به سال ۷۱ فقط ۲۰ درصد بیشتر بود.



مسالیات‌ها، کار و ... کم‌توجهی مسؤولان و برنامه‌ریزان اقتصادی به ایجاد انگیزه‌های قوی برای سرمایه‌گذاری و فعالیت بخش خصوصی، تصمیم‌گیریه‌ای مقطعی و غیر کارشناسی، سودآوری فعالیتهای غیردلالی در مقابل سود ناچیز فعالیت‌های مولد و ... مانع از رشد بخش صنایع و معادن درحد توانایی‌ها و استعدادهای اقتصاد ملی است.

این کارشناسان به موضوع مدیریت اشاره می‌کنند و می‌گویند، متأسفانه هنوز بخش قابل‌توجهی از واحدهای

قابل صدور و ... می‌توانند دستورالعمل‌هایی را تدوین کنند که در آن امتیازها و حمایت‌های قابل‌توجه به بخش‌هایی از صنعت و معدن منعطف شود که قدرت صدور بیشتری دارند. لذا آن‌ها قادر خواهند بود، جهت‌دهی به سرمایه‌گذاری‌های صنایع و معادن را به شکل مناسب برنامه‌ریزی و هدایت کنند.

چنانچه این مطالعات و ارزیابی‌ها با دقت و صحت انجام شود، سرمایه‌گذاری که در این مسیر هدایت می‌شوند، توان صدور کالا، کسب درآمد مناسب و سودآوری کافی خواهند داشت و آهنگ سرمایه‌گذاری‌های صنعتی - معدنی رشد پیدا می‌کند.

آمارهای بانک مرکزی گواه بر آن است که تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱ در سال‌های ۷۴-۱۳۷۱ به‌ویژه در بخش خصوصی از رشد قابل‌قبولی برخوردار نبوده است.

تشکیل سرمایه ثابت ناخالص خصوصی در سال ۱۳۷۱ با ۰/۶ درصد رشد نسبت به سال ۱۳۷۰ به ۱۱۴۳ میلیارد ریال رسید. در سال ۷۲ با رشد ۸/۸ درصدی نسبت به سال ماقبل به ۱۲۴۳/۷ میلیارد ریال و در سال ۷۳ با ۲/۸ درصد رشد به ۱۲۷۸/۴ میلیارد ریال بالغ شد.

در سال ۷۴ این شاخص با ۳ درصد رشد نسبت به سال ۷۳ به ۱۳۱۶/۴ میلیارد ریال رسید. تشکیل سرمایه ثابت ناخالص خصوصی در سال ۷۴ نسبت به سال ۷۱ فقط ۱۵/۱ درصد افزایش داشت که در قیاس با توانایی‌های اقتصاد ایران ناچیز است.

روند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش دولتی نیز چندان درخور توجه نیست. ارزش تشکیل سرمایه ثابت ناخالص دولتی از ۹۳۴/۳ میلیارد ریال در سال ۷۱ با ۴/۸ درصد کاهش به ۸۸۹/۷ میلیارد ریال در سال ۷۲ رسید. سپس در سال ۷۳ با ۴/۳ درصد رشد به ۹۲۷/۹ میلیارد ریال و در سال ۷۴ نیز با ۴/۸ درصد رشد به ۹۷۲/۳ میلیارد ریال بالغ شد.

مقایسه رقم سال ۷۴ با ۷۱ گواه بر رشد ۴ درصدی می‌باشد که ضعف این مورد را نشان می‌دهد.

در شرایطی که تشکیل سرمایه ثابت ناخالص از رشد قابل‌قبولی برخوردار نیست، چگونه می‌توان منابع لازم برای سرمایه‌گذاری را تأمین نمود. این امر گواه بر آن است که بخش‌های غیرمولد اقتصادی، از جاذبه‌های بسیاری برای جذب نقدینگی برخوردار می‌باشند و درضمن سطح مصرف داخلی (خصوصی و دولتی) بسیار بالا می‌باشد.

با این روند، ارزش‌افزوده بخش صنایع و معادن در شرایط واقعی قادر به رشد قابل‌توجه و درحد و اندازه اقتصاد کشور نیست.

آن‌ها توصیه می‌کنند که با گسترش روند خصوصی‌سازی و خارج ساختن مدیران دولتی از مدیریت بر واحدهای صنعتی - معدنی، می‌توان تحولی اساسی در فعالیت واحدهای کنونی به‌وجود آورد.

این کارشناسان اعتقاد دارند که برای گسترش ظرفیت‌های تولید در واحدهای صنعتی و معدنی و جذب سرمایه‌گذاری‌های جدید در این بخش، ضرورت دارد که قوانین و مقررات حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی این واحدها به‌طور کلی موردبازنگری قرار گیرد. در تدوین قوانین جدید باید تشویق‌ها و انگیزه‌ها تقویت شوند و زمینه برای جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی فراهم شود.

برخی کارشناسان اعتقاد دارند که چنانچه تحولی اساسی در زمینه صدور کالاهای صنعتی و معدنی به‌وجود آید، زمینه جذب سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها و افزایش اشتغال فراهم می‌آید.

آن‌ها اعتقاد دارند که درحمایت از ایجاد واحدهای صنعتی - معدنی در آینده، باید مبنای ارزیابی، اولویت‌بندی و اعطای امتیازها و تشویق‌ها، فقط و فقط قدرت رقابت در عرصه بین‌المللی و صادرات فرآورده‌های آن رشته باشد.

این کارشناسان می‌گویند، ارزش‌افزوده بخش صنایع و معادن تنها در شرایطی که پروژه‌های صادراتی به اجرا درآید، به‌طور اساسی و واقعی افزایش می‌یابد و اقتصاد ملی از تحرک کافی برخوردار می‌شود.

کارشناسان بر این باورند که ارگان‌های برنامه‌ریز و مسؤول به جای ایجاد موانع و تصمیم‌گیری‌های یک‌باره و فاقد توجه کارشناسی و دخالت مستمر در امور خرد، بهتر است در آینده به کار مطالعاتی و راهنمایی سرمایه‌گذاران روی آورند.

○ باوجود مزیت نسبی در بخش صنایع و معادن، فقدان انگیزه کار و سرمایه‌گذاری و مدیریت ناکارآ، مانع از توسعه صادرات این بخش شده است.

این نهادها با ارزیابی صحیح از توانمندی‌های اقتصادی موجود، نگاه به بازارهای بین‌المللی و تشخیص کالاها و مواد

کند.

در همین حال از محل واگذاری واحدهای مورد بحث، به تأمین مالی طرح‌های آتی بپردازد.

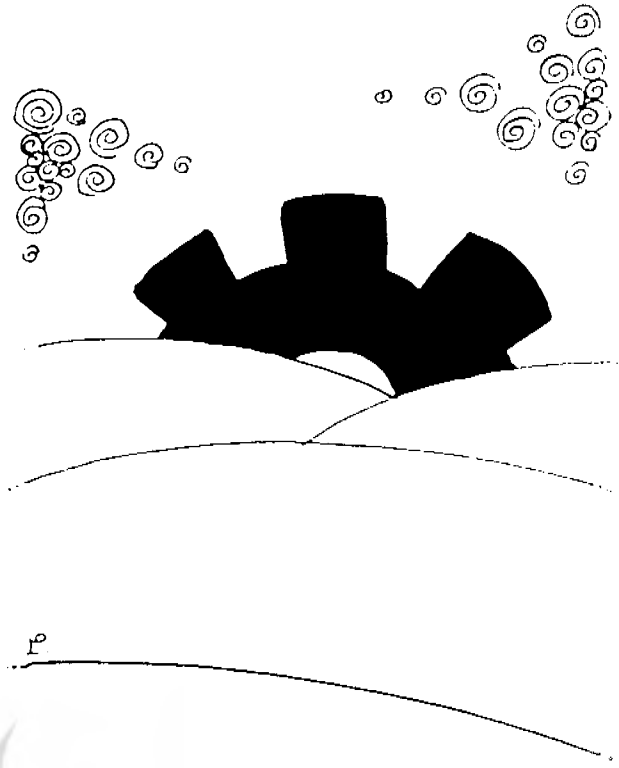
این کارشناسان با اشاره به استقبال مردم از تشکیل شرکت‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعت و معدن و خریداری سهام این شرکت‌ها، اظهار می‌دارند که شرکت‌های مورد بحث باید از فعالیت‌های کنونی که تا حدودی نیز از اهداف تأسیس آن‌ها دور می‌باشند، اجتناب نمایند و در مقابل منابع جذب شده از مردم را در راه‌اندازی طرح‌های صنعتی و معدنی صادراتی به کار گیرند.

عملکرد بخش صنعت و معدن در زمینه صادرات با تمام فعالیت‌های و تلاش‌های انجام شده در سال‌های اخیر چندان قوی نبوده است. ارزش صادرات صنعتی از ۷۶ میلیون دلار در سال ۶۸ با میانگین رشد سالانه ۲۷ درصد به ۷۵۰ میلیون دلار در سال ۷۴ رسید.

صادرات محصولات صنعتی در سال ۷۵ با ۶۰ درصد رشد نسبت به سال ماقبل به ۱/۲ میلیارد دلار بالغ شد. اگرچه این روند رشد از دید برخی کارشناسان حرکت سریعی را نشان می‌دهد، اما از آن‌جا که در سرمایه‌گذاری‌های صنعتی، بازار داخلی بیشتر مدنظر بوده است و در ضمن تکنک‌های مستمری در زمینه تولید و صادرات بنکادهای اقتصادی وجود داشته، بخش صنعت و معدن نتوانسته است درآمدهای قابل توجه ارزی برای اقتصاد کشور فراهم کند و همچنان اقتصاد ملی به صادرات نفت وابسته است.

○ با گسترش خصوصی‌سازی و حذف مدیران دولتی از واحدهای صنعتی - معدنی، باید تحولی اساسی در فعالیت این واحدها به وجود آورد.

به عقیده این کارشناسان دولت جدید تولید و تجارت محصولات صنعتی و معدنی را به عنوان یک اصل اقتصادی بنگردد و تمام تلاش و قدرت خود را معطوف به جذب سرمایه‌گذاری‌ها در این بخش و گسترش صادرات آن نماید.



○ قوانین و مقررات جاری، بی‌توجهی برنامه‌ریزان اقتصادی به ایجاد انگیزه‌های قوی برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های صادراتی، تصمیم‌گیری‌های مقطعی و سود ناچیز در فعالیت‌های اقتصادی مولد، عملاً مانع از توسعه صنایع و معادن در حد استعدادهای اقتصاد کشور است.

با این روند تحولی اساسی در نظام اقتصادی کشور، لازم و ضروری است. در این تحول می‌بایست مشارکت مردم و بخش خصوصی در سرلوحه برنامه‌ها دیده شود و دولت نقش هدایت‌گر، برنامه‌ریز و حمایت‌کننده فعالیت‌های مولد اقتصادی را به عهده گیرد.

برخی کارشناسان اقتصادی توصیه می‌کنند، در شرایطی که سرمایه‌گذاران فاقد توان و درک کافی از پروژه‌های صادراتی می‌باشند، دولت می‌تواند بر مبنای ارزیابی‌های دقیق و واقعی، طرح‌های دارای اولویت در بخش صنایع و معادن که قدرت صدور فرآورده‌های تولیدی به بازارهای جهانی را داشته باشند، گزینش نماید، خود در آن‌ها سرمایه‌گذاری کند و پس از راه‌اندازی و عرضه محصول به بازار داخلی و خارجی، این‌گونه واحدها را به سرمایه‌گذاران خصوصی و مردم واگذار